

کبیر کمال

بلجیم-انتورپن

نجیب الله وجود داشت و وجود دارد

چشم دید ها و تصاویر از تدارک مراسم بزرگداشت از پانزدهمین سالروز حماسه شهادت دکتر نجیب الله و احمدزی شهید.

جمله فوق را که بحیث عنوان این مضمون انتخاب گردیده است کلمات است که بهمینگونه چار سال قبل در یک ملاقات سه نفری از جانب استاد فرهیخته پوهنتون تعلیم و تربیه کابل بنام «نصیر احمد فرمند» مطرح گردید، این استاد محترم که سابقه جهاد مسلح در برابر حاکمیت تحت زعامت دکتر نجیب الله را هم داشت، بادرک از حقانیت مشی انسانی و ملی مصالحه و شخصیت ممتاز، مبتکر و مجری ان، شهید نجیب الله به این حقیقت معترف بود که دکتر نجیب الله مبارز راه انسانیت و الگوی عدالتخواهی بود.

در شرایط ناگوار و ناپسند جاری کشور که انسانیت، افغانیت، عدالت و همه ارزشهای مادی و معنوی ان بوسیله دزدان چراغ بدست دولت نامنهاد و مخالفین کور دل ان پایمال میشوند، نجیب الله بمثابة پاسدار و سمبول حمایت ازین ارزشها هرچند از لحاظ فزیک در میان ما نیست اما تاکنون بحیث یگانه مرجع امید نامعلوم به دل و دماغ افغانها دوباره برمیگردد و بران چیره میشود.

چه ملت مظلوم و بدچانسی که پیوسته بدخواهانش مانند گرگان درلباش میش انها را از موجودیت شخصیتهای ازاده و فرزانه محروم ساخته و بوسیله خودشان انها را یا به ترک وطن ناگزیر نموده اند و یا محو فزیک نموده اند. دشمنان سعادت افغانها اگر در آغاز سده بیستم میلادی افغانها را از امان الله محروم نمودند در پایان همین سده انها را از موهبت نجیب الله با استفاده از شگرد و شیطنت مشابه محروم نمودند، اگر فقدان امان الله افغانها را از پیشرفت و مدرن سازی افغانستان محروم ساخت، فقدان نجیب الله افغانها را از صلح، وفاق ملی و دوباره سازی وطن شان محروم گردانیدند، افغانستان و افغانها در طی قریب به دودهه اخیر در آتش فقدان نجیب الله میسوزند، تحقق سیاست مصالحه ملی، نجیب الله، یگانه بدیل جنگ و جلوگیری از فاجعه ای بود که در غیاب ان دهن گشود و تاکنون از افغانها قربانی میگردد.

برگشت و یا موجودیت نجیب الله که در جلایش اندیشه های انسانی و ملی ایشان برای سعادت مردم افغانستان متبلور است نه محض ونه تنها در ارزوهای نیک و خیرخواهانه ان محدود نیست بلکه او بحیث مرد اندیشه و عمل درین بازگشت مطرح است، انسانها تنها به باورهای سیاسی و عقیدتی شناخته نمیشوند، بلکه اعمال

و خدمتگذاری به انسان در عمل جایگاه ویژه ای را در شخصیت ادمی احراز میکند که نجیب الله نمونه کامل و بهترین آن است.

من که تا چندی قبل در استان پانزدهمین سالروز بزرگداشت حماسه شهادت آن دلیر مرد تاریخ معاصر کشور در کابل به سر میبردم بطور بینظیر و بیسابقه به میزان محبوبیت و عظمت شخصیت رهبر نستوه پی بردم و دریافتم که هیچ دانه سالم در مزرعه تاریخ بهدر نمی رود ، نجیب الله در برابر این تاریخ انطوری که بود با قامت استوار ایستاد ، او نارساییهای خود را از مردم و تاریخ کتمان نکرد ، راه رفته خود را نقد کرد ، کج رویها و کج اندیشیها را یکایک برشمرد ، اعتراف کرد ، تعریف های جدید ارایه داشت و برای آینده طرحها ریخت.

چرچل صدراعظم پیشین انگلستان میگفت « فضیلت رهبران در این نیست که صرف عیب های گذشته را بیان کند بلکه درین نیز است که بگوید حال چی کنیم.»

نجیب الله با داشتن همین امتیاز و فضیلت تنها عیب های گذشته را بدون تصرف بیان داشت بلکه آینده را انطوری که واقعیت بود نشان داد نه انطوری که فکر میشود ، طوری که گذشت زمان بر تمام داورها و برآوردهای سیاسی آن مهر تایید گذاشت ، نجیب الله بحیث مرد میدان نه تنها در راه تحقق ایده الهایش از منافع تنگ و محدود حزبی و شخصی خویش گذشت بلکه دریای آن از زنده گی پر بار خویش مایه نیز گذاشت و بقول که بمردم خویش «وطن یا کفن» داده بود شجاعانه وفا کرد.

همانطوری که زندگی انسانهای بزرگ پرافتخار است ، مرگ شان بخصوص که براه مردمش باشد عزیز و پرافتخار است ، زندگی و مرگ نجیب الله چنین است.

امسال مردم ما پانزدهمین فصل جدایی بارهبر اندیشه و عمل ما را در میان احساس دوگانه افتخار و تاثیر برگزار نمودند و اما کاملاً بطور استثنایی و بیسابقه ، پانزدهمین سالروز حماسه شهادت نجیب الله محبوبیت این شخصیت اسطوره ای را از عمق به سطح آورد و در برابر حلیف و حریف انطوری که بود به نمایش گذاشت. مراسم رسمی بجا آوردن احترام بهمت دو کانون هریک «بنیاد شهید دکتور نجیب الله» به رهبری محترم شیرالله جبارخیل در هتل شمشاد و سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به رهبری جوان رشید و متعهد محترم ارین خیبر به تفاوت زمان در تالار کابل ننداری برگزار گردیده بود ، قبل از برگذاری محافل ، شهر کابل بدلیل نصب فوتوهای مختلف رهبر شهید چهره عوض کرده بود ، شهریان کابل در اوج از احساسات احترام امیز به فوتوهای رهبر از دست رفته شان خیره میشدند و چنان از دیدن آن شوق زده میشدند تو گویی گم شده شانرا دوباره یافته اند و بدینگونه خوابهای شان تعبیر یافته و قرین سعادت گردیده اند. در آنروز همانند روز عید هرکی از شهر بر میگشت به منازل دوستان شان سر میزد و از نصب فوتوهای رهبر شهید به ایشان با خوشی اطلاع میداد و هرکی بوسیله دوستان شان از نصب فوتوها در چارراهی ها ، پایه های برق ، دکانهها و موتورها آگاهی می یافت بیدرنگ از منازل شان بیرون میشدند و به دیدار رهبر شان میشتافتند ، من نیز در آن روز ضمن بازدید از چند محل گذری به قریه هودخیل داشتم در آنجا که هنوز حزب اسلامی مسلط است توجه ام را عکس از رهبر شهید

بخود جلب نمود که روی پابه برق نصب گردیده بود از شخصی پرسیدم این عکس از کیست به سرعت جواب داد «داکتر نجیب، پرسیدم چرا عکس او را درینجا نصب کرده اند؟ جواب داد وقتیکه از دیگران است چرا عکس «داکتر نجیب نباشد، جالبتر اینکه رییس شورای این قوم محترم محمد یونس هوتک در روز پنجم میزان در حالی در محفل بزرگداشت شهادت نجیب الله شرکت کرده بود که فوتوی بزرگ انرا در شیشه پیشروی موترش نصب نموده بود و در پایان محفل چنان از جریان ان لذت برده بود که باعلاقه خاص گفت «والله دلم میخواهد عضو حزب وطن شوم».

بتاریخ چهارم میزان که روز نهایی توزیع و نصب فوتوهای رهبر شهید بوسیله ای اعضای سازمان جوانان افغانستان بود من نیز در دفتر مرکزی شان واقع در مکروریان دوم حاضر بودم که بوسیله این جوانان که جوخه جوخه به دفتر حاضر میشدند، عکس میگرفتند و بعد از توزیع و یا نصب دوباره بر میگشتند، گذارش میدادند، دوباره اغوش شانرا از عکسهای رهبر شان پر مینمودند و بسوی نقطه تعیین شده با سرعت و عشق نسبت به آنچه انجام میدهند حرکت مینمودند در امتداد چند ساعت محدود بیست و چار هزار قطعه عکس شهید نجیب الله توزیع و یا نصب گردید که جریان توزیع ان در هر نقطه جالب، شنیدنی و هیجان برانگیز بود، به یادآوری یکی از انها را که گروه توزیع در سید نور محمد شاه مینه انرا گذارش داد اکتفا مینمایم.

«توزیع جریان داشت، موترها، بایسکل سواران و عابریان پیاده برای بدست آوردن عکس صف های طولانی را تشکیل داده بودند، فریادها و هارندها به سرعت توزیع ما می افزود، در اوج این صداها و فریادها شخص را دیدیم که هر دو پای ان قطع گردیده بود بسوی ما خود را کش میکند و با صدای بلند فریاد میکشید «حق مرا» «حق مرا» یکی از افراد گروه توزیع وقتی در ازدحام عابریان و عراده جات شخص را که در تلاش بدست آوردن عکس رهبرش خود را در خطر انداخته می بیند به سرعت خود را به اورسانده و فوتوی را بدست اش قرار میدهد، شخص معیوب نخست بانگاه امیخته با تبسم بسوی عکس نگریسته بعد انرا به چشمانش مالیده دوباره بر میگردد و عکس را بسوی سایر منتظرین طوری بلند نموده که گویی در مسابقه بدست آوردن ان پیروز گردیده و بر نیرو و توانایی خود افتخار مینماید.

در انروز شهریان کابل فراوان این کلمات را شنیدند و شنواندند که «نجیب مرد خدا بود» «نجیب غریب دوست بود» «نجیب راست میگفت» «نجیب دشمنان افغانستان را خوب شناخته بود» «خدا او را ببخشد» و...

ارگانهای امنیتی با صداقت، خلوص نیت و افتخار در تامین امنیت محلات برگذاری محافل سهم گرفتند، تقاضای کانونهای برگزار کننده محافل از جانب مسولین انها با خوشرویی و احترام پذیرفته شده بود، خودم شاهد یک مکالمه مختصر تیلیفونی قوماندان امنیه کابل با یکتن از سازماندهندگان محفل جوانان هستم که ایشان ضمن کنترل از چگونگی تدابیر امنیتی در اطراف تالار کابل ننداری بوسیله مسولین امنیتی حوزه هشتم گفت، «ما در خدمت هستیم، سر خودم و سر اولادهایم قربان «داکتر نجیب، بالايم امر کنید» وزیر امور داخله با اعضای «بنیاد شهید داکتر نجیب الله» برخورد احترام امیز مشابه نموده بود.

وسایل اطلاعات جمعی در انچهکاس دادن جریان هر دو محفل، و جریان توزیع و نصب فوتوها رسالت مسلکی و اخلاقی شانرا به منصه اجرا گذاشتند، دران شب از جمله سی و شش دستگاه تلویزیونی در افغانستان تنها تلویزیون به اصطلاح ملی در مورد برنامه نداشت دیگران با تدویر میزهای مدور یاد ان بزرگمرد را گرمی داشتند، انچه میتوانم این است که بحیث عضو حزب وطن و یکی از پیروان شهید نجیب الله از جوانان عزیز که اکثریت شان نجیب الله را ندیده اند در راس جوان رشید ارین خیبر، از بنیاد «شهید دکتور نجیب الله» در راس محترم شیرالله جبار خیل، از ارگانهای امنیتی کابل، و وسایل اطلاعات جمعی و هموطنان ماکه حتی از ولایات دوردست کشور غرض اشتراک به ان دو محفل به کابل آمده بودند قلباً سیاسگذاری نمایم.

بحیث شاهد عینی میتوانم بگویم که تمام این اقدامات معطوف به تدارک محافل بزرگداشت با تنگ دستی مشهود برگذار گردیدند، من دیدم که چگونه جوانان از جمع خود اعانه جمع اوری مینمودند و هزینه چاپ فوتوهای رهبرش شانرا تهیه میدیدند، اما اینهمه مضیقه ها کوچکتترین اثری ناگوار برشکوهمندی محافل نداشت زیرا نیات پاک و اراده متین بود.

عضو محترم حزب وطن! حال برتوست تا با انسجام شجاعانه خود و مطرح ساختن دوباره حزب محبوب وطن راهت را دربین جوانان که خود را ادامه دهنده راه نجیب الله بزرگ دارند ثابت مینمایند و دربین مردم که رهبران دیشه ات را رهبر خود میدانند باز نمایی و در خدمت فکری و فزیکتی انان قرارگیری و دیگر مجال را برای جو فروشات گندم نماندهی، این خوشه ها باید دیگر به همت تو و همفکرانت خرمن شود و هرچه درین راه بیگانه و مزاحم است برداشته شود. ه

همرم عزیز! میدانم هنوز زیر او اران خیانت بزرگ کمر راست نکرده ای که کشورت راه به غلام غلامان سپردند و هنوز هستند غلامان که در توجیه ان غلامی غلام اند اما فرصت های زیادی نیز از اثر تنبلی من و تو بهدر رفت برخاستن بعد از یک شکست، خود بزرگی یک انسان و یک سازمان را به نمایش میگذارد، مگر نشنیده ای که «عظمت و بزرگی انسان دران نیست که هرگز سقوط نکند بلکه دران است هنگامی که سقوط میکند دوباره برخیزد». دوباره برخاستن من و تو حکم و نیاز زمان است، حزب وطن بنا برماهیت سرشتی ان نه برای مقابله با کسی ونه برای معامله با کسی دوباره حضور می یابد، حزب وطن در جامعه پراز نوسانات و زلزله زده ما حیثیت کوه های ثبات دهنده رادارد، حزب وطن حزب موازنه ساز و همگرایی ساز است، حزب وطن پیام اور تفاهم دریونیفورم مشارکت همگانیست و بالاخره حزب وطن پاسخهای افغانی برای پرسشهای افغانیست، تجربه به اثبات رسانید و پراتیک فرار از حزب وطن و حزب سازیهها بران صحنه گذاشت که جزایر و شخصیت های مستقل و پراکنده و ازهم جدا نمیتوانند از عهده اجرای وظایف بزرگ ملی بخصوص در شرایط دشوار و پیچیده کنونی برابند و اما بیمورد نخواهد بود صراحت بدهم که تمام اعضای سابق حزب وطن بدلائل معلوم نیز نمیتوانند در جاده سیاست افغانستان همقدم باشند درینمورد تقصیر عمدتاً از کسانی و از ادرسهاییست که خود به سیاستها، داوریهها و برداشتهای حزب وطن پشت کرده اند و راه شانرا بنا برهر ماموریت و یا مجبوریت که است از همزمان دیروز خود جدا نموده اند.

طرفداران اندیشه مصالحة ملی، پیروان شهید دکتور نجیب الله وارثین حزب وطن اند که باید با اقدامات مشخص و پیگیر شان به انسجام بدور حزب محبوب شان بپاخیزند باتدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن به انتظارات نسل نوین افغان که با افتخار حاضرند و مایلند راه رهبر شهید شانرا با داشتن ادرس مشخص ادامه بدهند جواب مثبت بدهند. بطور مشخص اعضای متشکل و مستقل حزب وطن در خارج می باید از کمیسیون تدارک مجمع عمومی حزب وطن در اروپا که در جلسه مشترک اعضای متشکل و غیر متشکل حزب وطن که بتاريخ ششم اگست ۲۰۱۱ منعقد شد شهر هامبورگ المان انتخاب گردید با همکاری عملی و توسعه ان حمایت نمایند، این کمیسیون باید در کمترین فرصت ممکن در جهت تامین اشتراک مساعی سایر تشکلات و شخصیتهای مستقل طرفدار حزب وطن در خارج به انجام رسانیده با امکانات و حمایتهای لازم با حضور فزیکي، تخنیکي، سیاسی و مالی شان در خدمت پروسه جدیداً آغاز شده تقارب بین احزاب و سازمانهای طرفدار حزب وطن در داخل کشور قرار گیرند، توافقنامه حزب ملی وطن و تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن افق جدید امید و همکاری را بسوی برگشت به حزب وطن در برابر اعضای این حزب گشوده است. اینجانب در طی روزهای اقامت در کابل در نتیجه دید و بازدیدها و ملاقاتها میلان جدید و امید وارکننده را در بین انعه اعضای سابق حزب وطن که کنون به احزاب جدید و جدا شده از بدنه حزب وطن تعلق تشکیلاتی دارند در برگشت به حزب وطن مشاهده نمودم، انها درک نموده اند که سازمانهای شان بدلیل مختلف به بند بست رسیده اند راه جز مراجعه به حزب وطن بحیث حزب مادر، مصالحة ملی و نجیب الله بحیث تجلی گاه این اندیشه وجود ندارد. چپهای دیروز و امروز دروازه مناسبتر و مساعد تر دخول به میدان سیاست جز دروازه حزب وطن که کلید ان مصالحة است راندارند، ادامه انتخاب کنونی شان جز کوبیدن به آهن سرد و میخ به دیوار کاغذی بیش نیست.

نجیب الله برگشت ولی ما هنوز برنخاسته ایم

(تصاویری از کابل)

























